

ز گهواره تا گور دانش بجوی

پیر مردی که سالهای عمرش به هفتاد و هشت رسیده بود، در بستر بیماری، واپسین لحظات، زندگی را می گذرانید. بستگانش با چشمان اشکبار نگران حال وی بودند. آن گاه که نفس او به شماره افتاد. دوستی دانشمند بزرگالین وی حاضر شد و با اندوهی بسیار حال او را جویا شد.

مرد بیمار با کلماتی بُریده و کوتاه از دوست دانشمند خود خواهش کرد که یکی از مسائل علمی را که زمانی با وی در میان گذاشته بود، باز گوید.

دانشمند گفت: "ای دوست گرامی! اکنون در چنین حالت ضعف و بیماری چه جای این پرسش است؟"

بیمار با ناراحتی پاسخ داد: "کدام یک از این دو بهتر است". این مسئله را بدانم و بمیریم یا نادانسته و جاهل در گذرم؟" مرد دانشمند مسئله را باز گفت. سپس از جای برخاست و دوست بیمار را ترك کرد. هنوز چند قدمی دور نشده بود که شیون از خانه بیمار برخاست. چون سراسیمه بازگشت، بیمار چشم از جهان فرو بسته بود! این پیر مرد بیمار دانشمند بزرگ ایرانی ابوریحان بیرونی بود.

او تا سال ۴۲۷ هجری که شصت و پنج سال از عمرش می گذشت یک صد و سیزده جلد کتاب نوشته بود. این کتاب ها در مسائل گوناگون از قبیل ستاره شناسی، پزشکی، ریاضیات، تاریخ، جغرافیا، دارو شناسی آداب و رسوم ملل و دیگر دانش هاست. با وجود آن که نزدیک به هزار سال از عصر ابوریحان می گذرد، بیشتر کتاب های او از لحاظ فکر تازه می نماید.

فرہنگ

پیر مردی : ایک بوڑھا آدمی	گہوارہ : (گاہوارہ) پنگھوڑا
لحظاتِ زندگی : زندگی کے آخری لمحات	نگران : تشویش میں مبتلا
نفس بہ شمارہ افتادن : کنتی کی سانسیں	دوستی دانشمند : ایک دانشمند دوست
بالین : سرہانہ	جو یا : تلاش کرنے والا
مسئلہ علمی : سائنسی مسئلہ، علمی مسئلہ	زمانی : ایک موقع پر، کبھی
پاسخ دادن : جواب دینا	درگذشتن : مرجانا، فوت ہو جانا
شیون : گریہ و نالہ کی آواز	سراسیمہ : گھبرایا ہوا
درمیان گذاشتن : زیر بحث لانا، بیچ میں رکھنا	ستارہ شناسی : علم نجوم
فراگیری : سیکھنا، جاننا	دانش اندوزی : دانش حاصل کرنا
افتخار : قابلِ فخر	گوناگون : مختلف
پزشکی : ڈاکٹری، میڈیکل لائن، طب	تازہ : نیا
چشم از جہان فرو بستن : دنیا سے آنکھیں بند کر لینا	
کلمات بُریدہ و کوتاہ : ٹوٹے پھوٹے اور بے ربط الفاظ	
بستگان : جمع بستہ، اعزاء و اقرباء، رشتہ دار اور دوست	
دارو شناسی : ادویہ سازی، فارماسیوٹیکل لائن	
از جہت فکر : فکری لحاظ سے، فکری پہلو سے	

تمرین

۱- فارسی میں جواب دیجیے۔

- ۱- بیمار از دوستِ دانشمندش چه تقاضا کرد؟
- ۲- دانشمند در پاسخِ چه جواب داد؟
- ۳- چرا دانشمند سراسیمہ بازگشت؟
- ۴- ابو ریحان تقریباً چند کتاب نوشتہ است؟
- ۵- موضوع بعضی از کتاب ہای او را نام ببرد؟
- ۶- ابو ریحان در چه چیز کم نظیر بود؟
- ۷- ابو ریحان بہ چه چیزی عشق می ورزید و دشمنِ سرسختِ چه بود؟

۲- مندرجہ ذیل الفاظ کے جمع لکھیے :

مثال ، لحظہ ، لحظات ، تغییر ، افتخار ، حشرہ ، خطرہ ، تعطیل ، زحمت

۳- مندرجہ ذیل الفاظ کو جملوں میں استعمال کیجیے۔

زندگی ، دانشمند ، اندوہ ، پاسخ ، سراسیمہ ، شیون ، فیلسوف ، تحقیق